

پژوهشی درباره نامه‌های دعوت حضرت رسول ﷺ

زهرناظمی *

مهدی مهریزی **

چکیده

این پژوهش به مطالعه نامه‌های دعوت پیامبر گرامی اسلام ﷺ می‌پردازد. با یک نگرش کلی به تمام نامه‌های دعوت، مواردی چون؛ تعداد نامه‌ها، زمان ارسال نامه‌ها، مخاطبان، مفاهیم اصلی و متون اختلافی مورد مطالعه قرار گرفته است. همچنین مصادر طولی و عرضی نامه‌ها، مسأله‌امی بودن پیامبر ﷺ و فلسفه ارسال پیام کتبی نیز بررسی شده است. در بخش دیگری از این پژوهش، تحلیل فراوانی نامه‌های دعوت بر اساس سال‌های پس از بعثت، تحلیل فراوانی نامه‌ها از حیث مخاطبان، مؤلفه‌های مهم نامه‌ها و میزان تکرارشان مورد توجه است. در پایان این نوشتار، ادبیات نامه‌ها و عوامل تاثیرگذار بر نامه‌ها، مورد بررسی قرار گرفته است. کلیدواژه‌ها: رسالت جهانی، نامه دعوت، سیره پیامبر اسلام.

درآمد

اسلام دینی فراگیر و جهان شمول، دین خاتم، کامل‌ترین ادیان آسمانی، تضمین‌کننده رشد و کمال همه جانبه بشر است. لذا از همان آغاز ظهور، خود را در حصارهای تنگ نژادی و قبیله‌ای محدود نساخت.

پیامبر گرامی اسلام برای قوم و قبیله خاصی مبعوث نشده بود تا پیامش را بر آن قوم و قبیله محصور نماید. بلکه بر اساس آموزه‌های قرآنی ماموریت داشت تا رسالت خود را فارغ از تمایزات قومی، نژادی و زبانی ابلاغ نماید:

* کارشناس ارشد علوم قرآن و حدیث.

** استادیار دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات.

يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ؛^۱

بگو: ای مردم من فرستاده خداوند به سوی همه شما هستم.

از این رو در سال ششم هجری با توجه به رسالت جهانی خویش، با ارسال نامه‌ها و فرستادن پیک‌هایی به نزد رؤسای قبایل عرب و نیز پادشاهان و ملوک خارج از جزیره‌العرب، گام مهمی را در سیاست خارجی برداشت و آنان را به اسلام دعوت نمود.

پیامبر گرامی ﷺ به عنوان اولین و بزرگ‌ترین مبلغ اسلام و انسانی کامل که هیچ‌گاه بر طبق هوای نفس کاری را انجام نمی‌داد، در تمام اعمال و رفتارشان از اصول و قواعد ویژه‌ای پیروی می‌نمود که برگرفته از متن قرآن و منطبق با وحی الهی بود. لذا خداوند در قرآن کریم می‌فرماید:

لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ؛^۲

به یقین، برای شما در استقامت، رسول الله سرمشق خوبی بود که به او تاسی نمایید.

به همین دلیل، رفتار، گفتار و کردار پیامبر گرامی ﷺ در هر بعدی، الگوی زندگی برای همه انسان‌ها در همه زمان‌ها و مکان‌هاست و یکی از دلایل و رموز موفقیت پیامبر گرامی ﷺ در روابط خارجی ایشان، سیره سیاسی آن حضرت است که بی‌تردید، بدون مطالعه در نامه‌های دعوت پیامبر ﷺ نمی‌توان به سیره سیاسی آن حضرت دست یافت.

از میان نامه‌های پیامبر گرامی ﷺ، نامه‌های دعوت آن حضرت به سران قبایل عرب و پادشاهان جهان در آن روز، از اهمیت فوق‌العاده برخوردار است؛ چرا که این نامه‌ها، علاوه بر این که به مهم‌ترین مبانی و اصول زیربنایی اسلام اشاره نموده است، نشان از اقتدار، شجاعت، نیرومندی و ایمان آن حضرت به رسالت جهانی خود دارد. هم‌چنین، بیانگر نگرش و بینش پیامبر عظیم‌الشان اسلام به مسأله سیاست خارجی یا دیپلماسی در صدر اسلام نیز است.

این مقاله نخست با تتبع در مصادر و منابع کهن تاریخ، به گردآوری نامه‌های دعوت پیامبر ﷺ پرداخته و سپس به تحلیل و ارزیابی آنها می‌پردازد؛ زیرا بررسی دعوت نامه‌ها و نظریات کارشناسانه در این زمینه ابعاد وسیع تبلیغ و ارشاد جهانی نبی مکرم

۱. سوره اعراف، آیه ۱۵۹.

۲. سوره احزاب، آیه ۲۱.

اسلام ﷺ را به روی جهانیان باز خواهد نمود که می‌تواند راه گشایی برای همه عصرها و نسل‌ها باشد.

این مقاله پس از ارائه گزارشی اجمالی از نامه‌ها، به تحلیل و ارزیابی آنها پرداخته، به سؤال‌های زیر پاسخ خواهیم گفت:

سؤال اول: چه رابطه‌ای است بین اقتدار روزافزون سیاسی و اجتماعی پیامبر گرامی ﷺ با فراوانی نامه‌های دعوت و ادبیات به کار گرفته شده در آن نامه‌ها؟

سؤال دوم: در نامه‌های دعوت پیامبر گرامی ﷺ کدام مفاهیم از اولویت ویژه‌ای برخوردار هستند؟

گزارش اجمالی نامه‌ها

نامه‌های دعوت پیامبر اسلام در یک نگرش کلی

در این بخش، مجموعه نامه‌های دعوت پیامبر ﷺ - که حدود بیست نامه است - مورد بررسی قرار می‌گیرد.

البته شایان ذکر است که به طور یقین نامه‌های دعوت پیامبر گرامی اسلام ﷺ با توجه به این که ایشان پیغمبر مرسل بوده‌اند و مسئولیت هدایت همه انسان‌ها را به عهده داشته‌اند، بیش از موارد یافته شده در این نوشته‌هاست؛ اما چنان‌که یادآور شدیم، فقط بیست نامه از مجموع نامه‌های آن حضرت، به پادشاهان و امرای آن روزگار، یافت گردیده است. از این تعداد نامه، نامه‌ای مربوط به زمان قبل از هجرت پیامبر ﷺ به مدینه و نوزده نامه دیگر مربوط به زمان بعد از هجرت آن حضرت است.

مجموعه نامه‌هایی که پیامبر اسلام ﷺ برای پادشاهان و سران قبایل عرب جهت دعوت آنان به اسلام، نوشته بودند، به قرار زیر است:

۱. شش نامه به پادشاهان بزرگ نوشته شده بود.
۲. هفت نامه، مربوط بود به حکام و زمامدارانی که از اهمیت کمتری برخوردار بودند.
۳. دو نامه، به اسقف‌ها و زعمای دینی صاحب نفوذ مسیحی نوشته شده بود.
۴. یک نامه به مجوس اهل هجر.
۵. دو نامه، پاسخ پیامبر ﷺ بود به نامه‌های اندیشمندانی که از ایشان در مورد حقایق اسلام، سؤال‌هایی کرده بودند.
۶. دو نامه، نیز هشدار به کسانی بود که علیه اسلام و مسلمانان توطئه کرده بودند.

همچنین از مجموع نامه‌های یاد شده فقط چهار نامه دارای متن اختلافی است و مابقی نامه‌ها - که شانزده نامه است - بدون نسخه اختلافی است که مورد اتفاق اکثر مورخان و محدثان تاریخ اسلام است. نامه‌هایی که دارای متن اختلافی است؛ عبارت‌اند از:

- نامه اول: نامه پیامبر ﷺ به نجاشی اول پادشاه حبشه (سال پنجم بعثت)،
- نامه دوم: نامه پیامبر ﷺ به خسرو پرویز (سال ششم هجری)،
- نامه پنجم: نامه پیامبر ﷺ به هرقل قیصر روم (سال نهم هجری)،
- نامه بیستم: نامه پیامبر ﷺ به مسیلمه کذاب (سال هشتم هجری).



جدول شماره ۱: بررسی وضعیت نامه‌ها

وضعیت متن اختلافی	محل ارسال	سفیر نامه	زمان ارسال	دوره	مذکور در اولین مصادر	مخاطب	نامه
متن اختلافی دارد	حبشه	عمرو بن امیه ضمیری	احتمالاً ۵ بعثت	بیش از هجرت	ابن سعد - طبقات الکبری	نجاشی اول	اول
متن اختلافی دارد	ایران	عبدالله بن حذافه	۶ هجری	بعد از هجرت	ابن هشام - سیره نبوی	خسرو پرویز	دوم
متن اختلافی ندارد	حبشه	نامشخص	۶ هجری	بعد از هجرت	ابن اسحاق، المغازی	نجاشی دوم	سوم
متن اختلافی ندارد	روم	دحیه بن خلیفه کلبی	۶ هجری	بعد از هجرت	قاسم بن سلام، الاموال	هرقل	چهارم
متن اختلافی دارد	روم	دحیه بن خلیفه کلبی	۹ هجری	بعد از هجرت	ابن سعد، طبقات الکبری	هرقل	پنجم
متن اختلافی ندارد	مصر	حاطب بن ابی بلتعنه	۷ هجری	بعد از هجرت	ابن سعد، طبقات الکبری	مقوقس	ششم
متن اختلافی ندارد	بحرین	علا بن حضرمی	۷ هجری	بعد از هجرت	یعقوبی، تاریخ یعقوبی	منذر بن ساوی	هفتم
متن اختلافی ندارد	دمشق	شجاع بن وهب	۶ هجری	بعد از هجرت	ابن جریر طبری، تاریخ طبری	حارث بن ابی شمر	هشتم
متن اختلافی ندارد	یمامه	سلیط بن عمر	۶ هجری	بعد از هجرت	ابن هشام، سیره نبوی	هوذ بن علی	نهم
متن اختلافی ندارد	یمن	عمرو عاص	احتمالاً ۶ هجری	بعد از هجرت	ابن هشام، سیره نبوی	عبدوجیفز جلندی	دهم

وضعیت متن اختلافی	محل ارسال	سفیر نامه	زمان ارسال	دوره	مذکور در اولین مصادر	مخاطب	نامه
متن اختلافی ندارد	بحرین	علا بن حضرمی	اختلافی ۶ یا ۷ هجری	بعد از هجرت	ابن سعد، طبقات الکبری	هلال بحرینی	یازدهم
متن اختلافی ندارد	روم	دحیه بن کلیبی	اختلافی ۶ یا ۷ هجری	بعد از هجرت	ابن سعد، طبقات الکبری	اسقف روم	دوازدهم
متن اختلافی ندارد	معان	عمر بن امیه ضمیری	اختلافی ۶ یا ۷ هجری	بعد از هجرت	ابن سعد، طبقات الکبری	فروه بن عمر جذامی	سیزدهم
متن اختلافی ندارد	ایله	۴ تن از نمایندگان پیامبر(ص)	۹ هجری	بعد از هجرت	ابن سعد، طبقات الکبری	یحیی بن روبه	چهاردهم
متن اختلافی ندارد	نجران	۴ تن از نمایندگان پیامبر(ص)	۹ هجری	بعد از هجرت	ابن هشام، سیره نبوی	اسقف نجران	پانزدهم
متن اختلافی ندارد	حیره	نماینده اکثم بن صیفی	معلوم نیست	بعد از هجرت	ابن بابویه قمی، کمال الدین	اکثم بن صیفی	شانزدهم
متن اختلافی ندارد	حمیر	عیاش بن ابی ربیع	۸ یا ۹ هجری	بعد از هجرت	ابن سعد، طبقات الکبری	فرزندان عید کلال	هفدهم
متن اختلافی ندارد	هجر	ربیعہ مخزومی	۹ هجری	بعد از هجرت	عبدالرزاق، مصنف	مجوس اهل هجر	هجدهم
متن اختلافی دارد	خیبر مدینه	نامشخص	۷ هجری	بعد از هجرت	مفید، الاختصاص	یهود خیبر	نوزدهم
متن اختلافی دارد	یمامه	عمرو بن امیه ضمیری	۸ هجری	بعد از هجرت	ابن اسحاق، سیره النبی	مسيلمه کذاب	بیستم

مصادر نامه‌ها

یکی از موضوعات مهم نامه‌های دعوت پیامبر ﷺ مربوط به مصادر نامه‌هاست. ما در مورد هریک از نامه‌های دعوت پیامبر گرامی ﷺ در این نوشتار، نخست به بیان قدیمی‌ترین مأخذی که نامه‌ها در آن آمده، استناد کردیم و سپس اگر از لحاظ لفظ و ترتیب جمله بندی و متن‌ها، اختلافی در منابع دیگر وجود داشت، آن را به عنوان اختلاف در نسخ، مطرح کردیم.

مجموع مصادر نامه‌های پیامبر ﷺ و با ذکر منبع به شرح ذیل است:

۱. نخستین نامه حضرت رسول خدا ﷺ به نجاشی اول زمامدار حبشه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

من محمد رسول الله ﷺ إلى النجاشي الأصم^۲ مَلِكِ الْحَبَشَةِ، سَلَامٌ أَنْتَ فَاتَى أَحْمَدُ إِلَيْكَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ...^۴

این نامه را ابن سعد^۵ (م ۲۳۴ ق)، طبری^۶ (م ۳۱۰ ق)، باقلانی^۷ (م ۴۰۳ ق)، ابوعلی الطبرسی^۸ (م ۵۴۸ ق)، ابن کثیر (به نقل از ابن سعد)^۹، (م ۷۷۴ ق)، قلقشندی^{۱۰} (م ۸۲۱ ق) و مقریزی^{۱۱} (م ۸۴۵ ق) نقل کرده‌اند که از قرن دهم به بعد از همان منابع اولیه نقل شده است.

۲. نامه حضرت رسول ﷺ به خسرو پرویز کسری پادشاه ایران

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ مِنْ مُحَمَّدٍ رَسُولِ اللَّهِ إِلَى كِسْرَى عَظِيمِ فَارِسَ :

سَلَامٌ عَلَيَّ مَنْ اتَّبَعَ الْهُدَى، وَأَمَّنَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ، وَشَهِدَ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَحَدَّهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، أَدْعُوكَ بِدَعَايِهِ الْإِسْلَامِ...^{۱۲}

۳. الأصمخه والأصخمه هر دو استعمال شده رک. مکاتیب الرسول، ج ۲، ص ۴۳۲.

۴. همان، ج ۲، ص ۴۳۰.

۵. الطبقات الكبرى، ج ۱، ص ۲۵۹.

۶. تاریخ الامم والملوک، ج ۲، ص ۲۹۴.

۷. اعجاز القرآن، ص ۱۱۳.

۸. اعلام الوری، ص ۵۶.

۹. البدایه و النهایه، ج ۳، ص ۸۳.

۱۰. صیح الاعشى فی صناعه الانشاء، ج ۶، ص ۳۷۹.

۱۱. الامتاع الاسماع، ص ۱۰۲۱.

۱۲. محمد وزمامداران، ص ۸۰.

قدیمی ترین مصادری که نامه پیغمبر ﷺ را به کسری نقل کرده اند، به ترتیب قرن، ابن هشام^{۱۳} (م ۲۱۳ق)، احمد حنبل^{۱۴} (م ۲۴۱ق)، بخاری^{۱۵} (م ۲۵۶ق)، یعقوبی^{۱۶} (م ۲۹۰ق)، به نقل از ابن هشام)، طبری^{۱۷} (م ۳۱۰ق)، مسعودی^{۱۸} (م ۳۴۵ق)، باقلانی^{۱۹} (م ۴۰۳ق)، ابن جوزی^{۲۰} (م ۵۹۷ق)، ابن اثیر^{۲۱} (م ۶۳۰ق) و ابن کثیر^{۲۲} (به نقل از ابن سعد م ۷۵۱ق) و از قرن هفتم به بعد این نامه از همان منابع اولیه نقل شده است.

۳. نامه پیامبر ﷺ به نجاشی دوم زمامدار حبشه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ هَذَا كِتَابٌ مِنَ النَّبِيِّ إِلَى النَّجَاشِيِّ؛ عَظِيمِ الْحَبَشَةِ، سَلَامٌ عَلَيَّ مَنْ اتَّبَعَ الْهُدَى وَأَمَّنَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ، وَأَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ...^{۲۳}

متن این نامه در تعداد کمی از منابع تاریخ اسلام نقل شده است که مهم ترین آنها به ترتیب قرن عبارت اند از: ابن اسحاق^{۲۴} (م ۱۵۱ق)، حاکم نیشابوری^{۲۵} (م ۴۰۵ق)، بیهقی^{۲۶} (م ۴۸۵ق)، هر دو به نقل از ابن اسحاق)، ابن کثیر^{۲۷} (م ۷۷۴ق به نقل از بیهقی از ابن اسحاق)، ابن طولون^{۲۸} (م ۸۸۰ق)، زرقانی^{۲۹} (م ۱۱۲۲ق) و زینی دحلان^{۳۰} (م ۱۳۰۴ق).

۱۳. السیره النبویه، ج ۴، ص ۲۵۴.

۱۴. المسند، ج ۳، ص ۱۳۳.

۱۵. صحیح، ج ۴، ص ۵۴.

۱۶. تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۱.

۱۷. تاریخ الامم والملوک، ج ۲، ص ۶۶.

۱۸. التنبيه والاشراف، ص ۲۲۵.

۱۹. اعجاز القرآن، ص ۱۱۳.

۲۰. المنتظم فی التاريخ، ج ۱، ص ۱۰.

۲۱. همان، ج ۲، ص ۲۱۳.

۲۲. البدایه والنهایه، ج ۴، ص ۲۶۹.

۲۳. مکاتیب الرسول، ج ۲، ص ۴۵۵.

۲۴. السیر والمغازی، ص ۳۰۶.

۲۵. المستدرک علی الصحیحین، ج ۲، ص ۶۲۳.

۲۶. دلائل النبوه، ج ۲، ص ۷۸.

۲۷. البدایه والنهایه، ج ۳، ص ۸۳.

۲۸. اعلام السانلین عن کتب المرسلین، ج ۳، ص ۵۰۵۱.

۲۹. شرح الزرقانی علی المواهب اللدنیه، ج ۳، ص ۳۴۶.

۳۰. السیره النبویه هامش الحلیه، ج ۳، ص ۶۹.

۴. نامه حضرت رسول ﷺ به هرقل قيصر روم

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
 مِنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ إِلَى هِرَقْلٍ عَظِيمِ الرُّومِ، سَلَامٌ عَلَى مَنْ اتَّبَعَ الْهُدَى، أَمَا بَعْدُ؛ فَإِنِّي
 أَدْعُوكَ بِدَعَايِهِ الْإِسْلَامِ. أَسَلِمُ تَسْلِيمًا...^{۳۲}

متن این نامه در منابع تاریخی کثیری نقل شده است که برخی از قدیمی‌ترین آن‌ها به ترتیب قرن عبارتند از: قاسم بن سلام^{۳۳} (م ۲۲۴ق)، بخاری^{۳۴} (م ۲۵۶ق)، یعقوبی^{۳۵} (م ۲۹۰ق)، طبری^{۳۶} (م ۳۱۰ق)، اصفهانی^{۳۷} (م ۴۳۰ق)، ابن عساکر^{۳۸} (م ۵۷۳ق) و از قرن ششم به بعد از همان منابع اولیه نقل شده است.

۵. نامه حضرت رسول به هرقل - قيصر روم از تبوک

مِنْ مُحَمَّدِ رَسُولِ اللَّهِ إِلَى صَاحِبِ الرُّومِ، أَتَى أَدْعُوكَ إِلَى الْإِسْلَامِ، فَإِنِ اسْلَمْتَ فَلَكَ
 مَا لِلْمُسْلِمِينَ وَعَلَيْكَ مَا عَلَيْهِمْ، فَإِن لَمْ تَدْخُلْ فِي الْإِسْلَامِ فَاعْطِ الْحِزْبَةَ...^{۳۹}

مهم‌ترین کتاب‌های تاریخ اسلام - که این نامه در آنجا نقل شده است - به ترتیب قرن عبارت‌اند از:

ابن سعد^{۴۰} (م ۲۲۴ق)، قاسم بن سلام^{۴۱} (م ۲۲۶ق)، به نقل از عبدالله بن شداد، ابن عساکر^{۴۲} (م ۵۷۳ق)، ابن کثیر^{۴۳} (م ۷۷۴ق)، به نقل از ابن سعد، قلقشندی^{۴۴} (م ۸۲۱ق)،

۳۱. «قيصر». لقب پادشاهان روم است. قيصر در معنا به فرزندی می‌گفتند که مادرش پیش از آن که او را به دنیا آورد بمیرد و شکم مادر را بشکافند و آن فرزند را بیرون آورند (مکاتیب الرسول، ج ۱، ص ۳۹۴).

۳۲. همان، ج ۲، ص ۳۹۰.

۳۳. الاموال، ج ۱، ص ۳۲.

۳۴. صحیح، ج ۴، ص ۵۴-۵۵.

۳۵. تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۶۷.

۳۶. تاریخ الامم والملوک، ج ۲، ص ۲۹۱.

۳۷. دلائل النبوه [بی جا]، ص ۲۹۰.

۳۸. تهذیب تاریخ، ج ۱، ص ۱۴۱.

۳۹. «جزیه» یک نوع مالیات سرانه اسلامی است که اهل کتاب (یهود، نصارا، مجوس...) که در حکومت اسلامی هستند، باید سالانه مبلغی را به دولت اسلامی پرداخت نمایند و دولت اسلامی در قبال آن، امنیت جان و مال آنان را به عهده خواهد گرفت. برای آگاهی از تفضیل بیشتر این حکم رک: تفسیر نمونه، ج ۷، ص ۳۵۰-۳۵۷.

۴۰. الطبقات الکبری، ج ۲، ص ۶۲.

۴۱. الاموال، ص ۲۲.

۴۲. تهذیب تاریخ، ج ۱، ص ۱۱۳.

۴۳. تفسیر ابن کثیر، ج ۱، ص ۳۷۱.

عسقلانی^{۴۵} (م ۸۵۲ق)، حلبی^{۴۶} (م ۱۰۴۴ق) و زنجانی^{۴۷} (م ۱۰۴۵ق).

۶. نامه حضرت رسول ﷺ به مقوقس پادشاه مصر

بسم الله الرحمن الرحيم
 من محمد بن عبدالله الى المقوقس عظيم القبط،^{۴۸} سلامٌ على من اتبع الهدى فإني
 أدعوك بدعاييه الاسلام، أسلم تسليم يؤتيك الله أجرك مرتين...^{۴۹}

این نامه در منابع تاریخی کثیری نقل شده است که برخی از مهم ترین آنها به ترتیب قرن عبارت اند از: ابن سعد^{۵۰} (م ۲۵۸ق)، طبری^{۵۱} (م ۳۱۰ق)، ابن جوزی^{۵۲} (م ۷۵۱ق)، قلقشنندی^{۵۳} (م ۸۱۲ق)، قسطلانی^{۵۴} (م ۹۲۳ق)، سیوطی^{۵۵} (م ۹۱۱ق)، به نقل از طبری (م ۳۱۰ق)، حلبی^{۵۶} (م ۱۰۴۴ق)، زینی دحلان^{۵۷} (م ۱۳۷۳ق) و امین حسین^{۵۸} (م ۱۳۷۳ق).

۷. نامه حضرت رسول به منذرین ساوی زمامدار بحرین

بسم الله الرحمن الرحيم
 من محمد رسول الله الى المنذرین ساوی: سلامٌ عليك؛ فأتى أحمداً اليك الله الذی لا
 إله الا هو...^{۵۹}

۴۴. صبح الاعشى، ج ۶، ص ۳۶۳.
 ۴۵. المطالب العالی، ج ۴، ص ۲۳۱.
 ۴۶. السیره الحلبیه من الانسان العیون، ج ۲، ص ۳۷۷.
 ۴۷. مدینه البلاغه فی خطب النبی ﷺ وکتابه وواعظ ووصایا واحتجاجاته، ج ۲، ص ۲۴۷.
 ۴۸. قبط، قبطی. به کسر «ق» گروهی از اهل مصر هستند و بعضی معتقدند که این کلمه محرف Egypt مصر است (فرهنگ فارسی، ج ۶، ص ۲۰۰۶).
 ۴۹. مکاتیب الرسول، ج ۲، ص ۴۱۷.
 ۵۰. الطبقات الکبری، ج ۱، ص ۱۶.
 ۵۱. تفسیر الطبری - جامع عن تاویل آی القرآن، ج ۴، ص ۶۰.
 ۵۲. زاد المعاد، ج ۳، ص ۶۱.
 ۵۳. صبح الاعشى، ج ۶، ص ۳۷۸.
 ۵۴. المواهب اللدنیه فی المنح المحمدیه، ج ۳، ص ۳۹۷.
 ۵۵. الدر المنثور، ج ۲، ص ۷۲.
 ۵۶. السیره الحلبیه، ج ۳، ص ۲۸۰.
 ۵۷. السیره النبویه هامش الحلبیه، ج ۳، ص ۷۰.
 ۵۸. اعیان الشیعه، ج ۲، ص ۱۴۲.
 ۵۹. اعلام السائلین، ص ۴۲۰.

لازم به ذکر است متن نامه حضرت رسول ﷺ به منذرین ساوی به روایت «زیلعی» این گونه است:
 «بسم الله الرحمن الرحيم من محمد رسول الله الى المنذرین ساوی. سلامٌ على من اتبع الهدى اما بعد، فإني ادعوك



متن این نامه در برخی از کتب تاریخ اسلام ذکر شده است که عبارتند از: ابن هشام^{۶۰} (م ۲۱۳ق)، یعقوبی^{۶۱} (م ۲۹۰ق)، طبری^{۶۲} (م ۳۱۰ق)، زیلعی^{۶۳} (م ۷۶۲ق) و ابن طولون^{۶۴} (م ۸۸۰ق، به روایت از ابن عباس) که در قرون بعدی از همان منابع اولیه نقل شده است.^{۶۵}

۸. نامه حضرت رسول ﷺ به حارث بن ابی شمر غسانی - زمامدار دمشق

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

من محمد رسول الله الى الحارث بن ابی شمر، سلاماً على من أتبع الهدى وأمن به و صدق، وإني أدعوك أن تؤمن بالله وحده لا شريك له، ويبقى لك ملكك.^{۶۶}

برخی از مهم‌ترین کتاب‌های تاریخ اسلام که این نامه در آن ذکر شده است، به ترتیب قرن عبارت‌اند از: طبری^{۶۷} (م ۳۱۰ق)، ابن کثیر^{۶۸} (م ۶۳۰ق)، ابن جوزی^{۶۹} (م ۷۵۱ق)، ابن حدیده انصاری^{۷۰} (م ۷۸۳ق، ذیل کلمه حارث، به نقل از ابن جوزی و ابن طولون^{۷۱} (م ۸۸۰ق).

۹. نامه حضرت رسول ﷺ به هوذه بن علی حنفی زمامدار یمامه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

من محمد بن عبدالله إلى هوذه بن علی، سلاماً على من أتبع الهدى، وأعلم أن ديني سيظهر إلى منتهى الخف والحافر...^{۷۲}

الى الاسلام فاسلم تسلم اسلم يجعل الله لك ما تحت يديك، وأعلم أن ديني سيظهر إلى منتهى الخف والحافر و ختم رسول الله الكتاب «مكتيب الرسول، ج ۲، ص ۳۵۴».

۶۰. السيرة النبوية، ج ۴، ص ۲۲۲.
۶۱. تاريخ يعقوبی، ج ۲، ص ۶۷.
۶۲. تاريخ الامم والملوك، ج ۲، ص ۶۴۵.
۶۳. نصب الرایة لاحاديث الهدایة، ص ۴۲۰.
۶۴. اعلام السانلین، ص ۴۲۰.
۶۵. برای توضیحات بیشتر درباره این نامه رجوع شود به پاورقی ۵ (وثائق، ص ۱۱۲).
۶۶. جمهور الرسائل العرب، ج ۱، ص ۴۵.
۶۷. تاريخ الامم والملوك، ج ۲، ص ۲۹۲.
۶۸. البدایة والنهایة، ج ۴، ص ۲۶۸.
۶۹. زاد المعاد، ج ۳، ص ۶۳.
۷۰. مصباح المصیبي فی كتاب النبی الامی، ج ۲، ص ۳۱۴.
۷۱. اعلام السانلین، ص ۱۳۴.
۷۲. جمهور الرسائل العرب، ج ۱، ص ۴۸.

متن این نامه در منابع متعددی از کتاب‌های تاریخ اسلام ذکر شده است که برخی از مهم‌ترین آن منابع به ترتیب قرن عبارت‌اند از: ابن هشام^{۷۳} (م ۲۱۳ق)، مسعودی^{۷۴} (م ۳۴۵ق)، ابن اثیر^{۷۵} (م ۶۳۰ق)، جوزی^{۷۶} (م ۷۵۱ق)، دمیری^{۷۷} (م ۷۴۲ق)، قسطلانی^{۷۸} (م ۸۵۱ق) و حلبی (م ۱۰۴۴ق).^{۷۹}

۱۰. نامه حضرت رسول به زمامداران عمان، جیفر و عبدالجلندی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
 من محمد بن عبدالله إلى جیفر و عبد ابنی الجندی: سلامٌ علی من اتَّبَعَ الهدى أمّا
 بعد: فاتى أدعوکما بدعایه الاسلام، أشلیما تسلیما...^{۸۰}

این نامه در بسیاری از کتاب‌های تاریخ اسلام ذکر شده است که برخی از آنها عبارت‌اند از:

ابن هشام^{۸۱} (م ۲۱۳ق)، مسعودی^{۸۲} (م ۳۴۰ق)، ابن شهر آشوب^{۸۳} (م ۵۸۸ق)، ابن اثیر^{۸۴} (م ۳۶۰ق)، قلّشندی^{۸۵} (م ۸۲۱ق)، خفّاجی^{۸۶} (م ۹۷۷ق)، حلبی^{۸۷} (م ۱۰۴۴ق) و عبدالمنعم^{۸۸} (معاصر).

۱۱. نامه حضرت رسول ﷺ به هلال بحرینی زمامدار بحرین

سلم أنت فاتى أحمدُ ألیک الله الذی لا إله إلا هو لا شریک له و أدعوک إلى الله

۷۳. السیره النبویه، ج ۴، ص ۲۷۹.
۷۴. التنبیه والأشراف، ص ۲۲۶.
۷۵. اسد الغابیه، ج ۲، ص ۳۴۴.
۷۶. زاد المعاد، ج ۳، ص ۶۳.
۷۷. حیاة الحویان الکبری، ج ۲، ص ۳۸۹.
۷۸. شرح زرقانی علی المواهب اللدینه، ج ۳، ص ۳۵۵.
۷۹. السیره الحلویه، ج ۳، ص ۲۸۶.
۸۰. رسائل النبی الی الملوک والامراء والقباائل، ص ۶۷.
۸۱. السیره النبویه، ج ۴، ص ۲۵۴.
۸۲. التنبیه والأشراف، ص ۲۴۰.
۸۳. مناقب آل ابی طالب، ج ۱، ص ۱۷۳.
۸۴. الکامل فی التاریخ، ج ۲، ص ۲۳۲.
۸۵. صبح الاعشى، ج ۶، ص ۳۶۵.
۸۶. نسیم الریاض فی شرح شفا القاضی عیاض، ج ۲، ص ۴۴۷.
۸۷. السیره الحلویه، ج ۳، ص ۲۸۴.
۸۸. رسالات نبویه علیه التحیه، شماره ۱۳۳.

وَحَدَّثَهُ تَوْمِينَ بِاللَّهِ وَتَطِيعَ، وَتَدْخُلُ فِي الْجَمَاعَةِ، فَإِنَّهُ خَيْرٌ لَكَ، وَالسَّلَامُ عَلَيَّ مَنْ
اتَّبَعَ الْهُدَى.^{۸۹}

متن نامه پیامبر اسلام ﷺ به هلال بحرینی در کتاب‌های محدودی از تاریخ اسلام نقل شده است که عبارت‌اند از: ابن سعد^{۹۰} (م ۲۲۴ق)، ابن جوزی^{۹۱} (م ۵۹۷ق)، ابن حدیده انصاری^{۹۲} (م ۷۸۳ق)، عبدالمنعم^{۹۳} (معاصر به نقل از ابن حدیده) و حمید الله^{۹۴} (معاصر به نقل از ابن سعد).

۱۲. نامه حضرت رسول ﷺ به اسقف ضغاطر، اسقف روم در قسطنطنیه

سَلَامٌ عَلَيَّ مَنْ آمَنَ: أَمَّا عَلَيَّ أَتْرَدَلِيكَ فَإِنَّ عَيْسَى بْنِ مَرْيَمَ رُوحَ اللَّهِ وَكَلِمَتُهُ أَلْقَاهَا
إِلَى مَرْيَمَ الزَّكِيَّةِ...^{۹۵}

متن نامه در کتاب‌های بسیار محدودی از تاریخ اسلام ذکر شده است که عبارت‌اند از:

ابن سعد^{۹۶} (م ۲۲۴ق)، طبری^{۹۷} (م ۳۱۰ق)، الاصفهانی^{۹۸} (م ۴۳۰ق)، ابن اثیر^{۹۹} (م ۶۳۰ق)، سپهر^{۱۰۰} (م ۱۲۹۷ق) و حمید الله^{۱۰۱} (معاصر).

۱۳. نامه حضرت رسول ﷺ به فروه بن عمرو جذامی حاکم معان

مِنْ مُحَمَّدٍ رَسُولِ اللَّهِ إِلَى فَرَوَةَ بْنِ عَمْرٍو، أَمَّا بَعْدُ فَقَدْ قَدَّمَ عَلَيْنَا رَسُولَكَ، وَبَلَغَ مَا
أُرْسِلْتَ بِهِ...^{۱۰۲}

۸۹. مکاتیب الرسول، ج ۲، ص ۳۳۴.

۹۰. الطبقات الكبرى، ج ۱، ص ۲۷۵.

۹۱. الوفاء به احوال المصطفى، ص ۷۳۷.

۹۲. المصباح المضيئ فی کتاب النبی، ج ۱، ص ۳۵۹.

۹۳. رسالات نبویه، شماره ۳۱۴.

۹۴. وثائق، ص ۶۷.

۹۵. مکاتیب الرسول، ج ۳، ص ۴۰۷.

۹۶. الطبقات الكبرى، ج ۱، ص ۲۷۶، ظاهراً تنها مصدر مستقل که به طور کامل این نامه را ذکر کرده است ابن سعد می‌باشد و بقیه مصادر بیشتر از وی نقل قول نموده‌اند. رک. همان، ج ۳، ص ۴۰۶.

۹۷. تاریخ الامم والملوک، ج ۲، ص ۲۹۲.

۹۸. دلائل النبوه، ص ۱۹۲.

۹۹. الکامل فی التاریخ، ج ۲، ص ۲۱۱.

۱۰۰. ناسخ التواریخ، ص ۲۷۶.

۱۰۱. وثائق، ص ۹۰.

۱۰۲. مکاتیب الرسول، ج ۲، ص ۴۶۲.

تعدادی از کتاب‌های تاریخ اسلام نامه پیامبر اسلام ﷺ به فروه بن عمرو جذامی را ذکر کرده‌اند که مهم‌ترین آنها عبارت‌اند از:
ابن سعد^{۱۰۳} (م ۲۲۴ق)، ابن جوزی^{۱۰۴} (م ۵۹۷ق)، ابن حدیده انصاری^{۱۰۵} (م ۷۸۳ق)، قلقشندی^{۱۰۶} (م ۸۲۱ق)، به نقل از ابن جوزی م ۵۹۷ق، مجلسی^{۱۰۷} (م ۱۱۱۱ق)، به نقل از کازرونی و زنجانی^{۱۰۸} (م ۱۳۴۱ق).

۱۴. نامه حضرت رسول ﷺ به یحنه بن روبه زمامدار ايله

سَلِمَ أَنْتُمْ فَاتِي أَحْمَدُ إِلَيْكُمْ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ فَاتِي لَمْ أَقَاتِلْكُمْ حَتَّى أَكْتُبَ لَكُمْ
فَأَسْلِمُ...^{۱۰۹}

مهم‌ترین کتب تاریخ اسلام - که نامه حضرت رسول ﷺ به یحنه بن روبه به طور کامل در آنها ذکر شده است - به شرح ذیل است:
ابن سعد^{۱۱۰} (م ۲۲۴ق)، ابن عساکر^{۱۱۱} (م ۵۷۳ق)، ابن حدیده انصاری^{۱۱۲} (م ۷۸۳ق)، زرقانی^{۱۱۳} (م ۱۱۲۲ق)، کتانی^{۱۱۴} (معاصر)، زنجانی^{۱۱۵} (معاصر)، باحثین^{۱۱۶} (معاصر) و حمیدالله^{۱۱۷} (معاصر)، به نقل از زرقانی (م ۱۱۲۲ق)، به نقل از عسقلانی (م ۸۵۲ق)، به نقل از ابن حدیده (م ۷۱۴ق).

۱۰۳. الطبقات الكبرى، ج ۱، ص ۲۸۱.

۱۰۴. المنتظم، ج ۴، ص ۹.

۱۰۵. المصباح المصنوع، ج ۲، ص ۳۳۳.

۱۰۶. صبح الاعشى، ج ۶، ص ۳۶۸.

۱۰۷. بحار الانوار، ج ۲۱، ص ۴۰۸.

۱۰۸. مدینه البلاغه، ج ۲، ص ۲۶۲.

۱۰۹. الطبقات الكبرى، ج ۱، ص ۲۷۷.

۱۱۰. همان.

۱۱۱. تهذیب تاریخ، ج ۴، ص ۱۱۴.

۱۱۲. المصباح المصنوع، ج ۲، ص ۳۷۸.

۱۱۳. شرح زرقانی، ج ۳، ص ۳۶۰.

۱۱۴. نظام الحکومه النبویه، الترتیب الاداریه ج ۱، ص ۲۰۱.

۱۱۵. مدینه البلاغه، ج ۲، ص ۳۶۶.

۱۱۶. المفصل، ج ۴، ص ۲۴۹.

۱۱۷. وثائق، ص ۹۴.

۱۵. نامه حضرت رسول ﷺ به اسقف نجران

بِسْمِ اللَّهِ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ. مِنْ مُحَمَّدِ النَّبِيِّ رَسُولِ اللَّهِ إِلَى أَسْقَفِ نَجْرَانَ وَ
أَهْلِ نَجْرَانَ...^{۱۱۸}

این نامه در بسیاری از کتب تاریخ اسلام ذکر شده است که برخی از مهم‌ترین آنها به شرح ذیل است:

ابن هشام^{۱۱۹} (م ۲۱۳ق)، یعقوبی^{۱۲۰} (م ۲۹۰ق)، بیهقی^{۱۲۱} (م ۴۵۸ق)، ابن طاووس^{۱۲۲} (م ۶۶۹ق، به نقل از بیهقی م ۴۵۸ق)، ابن کثیر^{۱۲۳} (م ۷۷۴ق، به نقل از بیهقی و یعقوبی)، قلقشندی^{۱۲۴} (م ۸۲۱ق، به نقل از بیهقی)، صالحی شامی^{۱۲۵} (م ۹۴۲ق) و بحرانی^{۱۲۶} (م ۱۱۰۷ق).

۱۶. نامه حضرت رسول ﷺ به اکثم بن صیفی حکیم عرب

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ مِنْ مُحَمَّدِ رَسُولِ اللَّهِ إِلَى أَكْثَمِ بْنِ صَيْفِي، أَحْمَدُ اللَّهُ إِلَيْكَ، إِنَّ
اللَّهَ أَمَرَنِي أَنْ أَقُولَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ...^{۱۲۷}

این نامه در کتاب‌های محدودی از تاریخ اسلام ذکر شده است که عبارت‌اند از: ابن بابویه قمی^{۱۲۸} (م ۳۸۱ق)، کراجکی^{۱۲۹} (م ۴۴۹ق، به نقل از ابن بابویه قمی) عسقلانی^{۱۳۰} (م ۸۵۲ق، به نقل از ابن بابویه) مجلسی^{۱۳۱} (م ۱۱۱۱ق، به نقل از کراجکی) و زنجانی^{۱۳۲} (معاصر، به نقل از عسقلانی) و عبدالمنعم^{۱۳۳} (معاصربه نقل از عسقلانی) ظاهراً

۱۱۸. مکاتیب الرسول، ج ۲، ص ۴۸۹.

۱۱۹. السیره النبویه، ج ۲، ص ۳۸۳.

۱۲۰. تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۶۵.

۱۲۱. دلائل النبوه، ج ۵، ص ۳۸۵.

۱۲۲. الاقبال لصالح الاعمال، ص ۴۹۶.

۱۲۳. البدایه و النهایه، ج ۵، ص ۵۳.

۱۲۴. مآثر الانافه فی معالم الخلافه، ج ۲، ص ۲۲۷.

۱۲۵. سیبیل الهدی و الرشاد فی سیره خیر العباد، ص ۷۱۷.

۱۲۶. غایه المرام فی تعیین الامام من طریق الخاص و العام، ص ۳۰۱.

۱۲۷. مکاتیب الرسول، ج ۲، ص ۳۷۴.

۱۲۸. کمال الدین و تمام النعمه، ص ۳۱۴.

۱۲۹. کنز الفوائد، ص ۲۴۹.

۱۳۰. الاصابه، ج ۱، ص ۱۹۱.

۱۳۱. بحار الانوار، ج ۲۲، ص ۸۷.

۱۳۲. مدینه البلاغه، ج ۲، ص ۲۶۱.

تنها منبع مستقلى كه اين نامه را ذكر نموده است، ابن بابويه قمى است.

۱۷. نامه حضرت رسول ﷺ به حارث و مسروح و نعيم بن عبدالکلال، زمامداران حمير

سلم انتم ما آمنتم بالله و رسوله، و ان الله وحده لا شريك له، بعثت موسى باياته، و خلق عيسى بكلماته، قالت اليهود غزيرابن الله، و قالت النصارى ثالث، ثلاثه، عيسى ابن الله.^{۱۳۴}

اين نامه در برخى از كتاب تاريخ اسلام ذكر شده است كه مهم ترين آن كتب به شرح ذيل است:

ابن سعد^{۱۳۵} (م ۲۲۴ق)، ابن عبدربه اندلسى (م ۳۲۸ق)^{۱۳۶}، همدانى^{۱۳۷} (م ۳۳۴ق)، قلقشندى^{۱۳۸} (م ۸۲۱ق)، عسقلانى^{۱۳۹} (م ۸۵۲ق) و عبد المنعم^{۱۴۰} (معاصر، به نقل از ابن حديده (م ۷۸۳ق)، از ابن سعد).

۱۸. نامه حضرت رسول ﷺ به مجوس اهل هجر

فمن أسلم قبل منه [الحق] و من أبى كتب [صرت] ولا يؤكل هم ذبيحه ولا تنكح هم [منهم] امرأة.^{۱۴۱}

اين نامه در برخى از كتب تاريخ اسلام ذكر شده است كه مهم ترين آن كتب عبارت اند از:

عبدالرزاق^{۱۴۲} (م ۲۱۲ق)، ابن سعد^{۱۴۳} (م ۲۲۴ق)، ابن زنجويه نساى^{۱۴۴} (م ۲۵۱ق)، بلاذرى^{۱۴۵} (م ۲۷۹ق)، ابن حجر عسقلانى^{۱۴۶} (م ۸۵۱ق)، سيوطى^{۱۴۷} (م ۹۱۱ق)، وثائق^{۱۴۸} (معاصر

۱۳۳. رسالات نبويه، شماره ۸۸.
۱۳۴. جمهره الرسائل العرب، ج ۱، ص ۵۳.
۱۳۵. الطبقات الكبرى، ج ۲، ص ۳۲.
۱۳۶. عقد الفريده، ج ۱، ص ۴۵۶.
۱۳۷. الاكليل، ج ۲، ص ۳۶۴.
۱۳۸. نهايه الارب، ص ۲۶۰.
۱۳۹. المطالب العالىه، ص ۲۶۳۱.
۱۴۰. رسالات نبويه، شماره ۱۳۸.
۱۴۱. مكاتيب الرسول، ج ۲، ص ۳۸۹.
۱۴۲. المصنّف، ج ۶، ص ۷۰.
۱۴۳. الطبقات الكبرى، ج ۲، ص ۱۹.
۱۴۴. الاموال، ج ۱، ص ۱۳۷.
۱۴۵. فوج البلدان، ص ۱۱۰.

به نقل از عبدالرزاق و ابن زنجویه) و احمدی میانجی^{۱۴۹} (معاصر) به نقل از عبدالرزاق، ابن سعد، بلاذری و بیهقی م ۴۸۵ ق).

۱۹. نامه حضرت رسول ﷺ به یهود خیبر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ مِنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْأُمِّيِّ رَسُولِ اللَّهِ إِلَى يَهُودِ خَيْبَرَ أَمَّا بَعْدُ؛
فَإِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ
الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ.^{۱۵۰}

مهم ترین کتب تاریخ اسلام که نامه حضرت رسول ﷺ به یهود خیبر در آن ذکر شده است، عبارت اند از: مفید^{۱۵۱} (م ۴۱۳ ق، از عبدالله بن سلام از عبدالله بن عباس)، هندی^{۱۵۲} (م ۹۷۵ ق)، به نقل از ابی نعیم (م ۴۳۰ ق) از ابن اسحاق (م ۱۵۱ ق)، سیوطی^{۱۵۳} (م ۹۱۱ ق، از ابی نعیم از ابن اسحاق) و مجلسی^{۱۵۴} (م ۱۱۱۱ ق).

متن دیگری نیز از ابن هشام^{۱۵۵} (م ۲۱۳ ق) از ابن اسحاق روایت شده است که برخی از مورخان اسلام نیز آن را نقل کرده اند که عبارت اند از: زیلعی^{۱۵۶} (م ۷۶۲ ق)، ابن طولون^{۱۵۷} (م ۸۸۰ ق، به نقل از زیلعی (م ۷۶۲ ق)، از ابی نعیم (م ۴۳۰ ق) از ابن هاشم (م ۲۱۳ ق)، حمیدالله^{۱۵۸} (معاصر) به نقل از مقریزی (م ۸۴۵ ق، و زیلعی و ابن طولون و ابن هشام) و احمدی میانجی^{۱۵۹} (معاصر) که هر دو متن را در کتاب خود نقل کرده است.

۲۰. نامه حضرت رسول به مسیلمه کذاب

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ مِنْ مُحَمَّدٍ رَسُولِ اللَّهِ إِلَى مُسَيْلِمَةَ الْكَذَّابِ سَلَامٌ عَلَى مَنْ اتَّبَعَ

۱۴۶. المطالب العالیه، ج ۲، ص ۱۸۳.

۱۴۷. الدرالمشور، ج ۱، ص ۲۲۹.

۱۴۸. وثائق، ص ۱۱۶.

۱۴۹. مکاتیب الرسول، ج ۲، ص ۳۸۹.

۱۵۰. همان، ج ۲، ص ۴۸۱.

۱۵۱. الاختصاص، ص ۴۲.

۱۵۲. کنز العمال، ج ۵ ص ۲۸۵ و ج ۱۰، ص ۲۹۹.

۱۵۳. الدرالمشور، ج ۶، ص ۸۲.

۱۵۴. بحارالانوار، ج ۹، ص ۳۳۵ و ج ۴، ص ۳۶۴، ج ۶، ص ۲۴۱.

۱۵۵. السیره النبویه، ج ۲، ص ۱۶۹.

۱۵۶. نصب الرایه، ج ۴، ص ۴۱۹.

۱۵۷. اعلام الساتلین، ص ۲۵.

۱۵۸. وثائق، ص ۷۴.

۱۵۹. مکاتیب الرسول، همان.

الهدى أما بعد؛ فَإِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ.^{۱۶۰}

متن این نامه در اکثر کتب تاریخ اسلام نقل شده است که برخی از مهم ترین آن کتب، عبارتند از:

ابن اسحاق^{۱۶۱} (م ۱۵۱ق)، ابن سائب کلبی^{۱۶۲} (م ۲۰۴ق)، ابن سعد^{۱۶۳} (م ۲۲۴ق)، ابن شیبّه^{۱۶۴} (م ۲۶۲ق)، طبری^{۱۶۵} (م ۳۱۰ق)، بیهقی^{۱۶۶} (م ۴۵۱ق)، ابن جوزی^{۱۶۷} (م ۵۹۷ق)، ابن کثیر^{۱۶۸} (م ۷۷۴ق) و هشیمی^{۱۶۹} (م ۸۰۸ق) به نقل از طبرانی (م ۳۶۰ق).

مسأله امی بودن پیامبر ﷺ و فلسفه ارسال پیام کتبی

قبل از پرداختن به بحث تحلیل نامه ها، لازم دیده شد، مباحثی در رابطه با امی بودن پیامبر ﷺ و مسأله ارسال پیام کتبی از جانب پیامبر ﷺ مطرح شود.

پیامبر امی

در بحث نامه های پیامبر ﷺ این سوال ها به ذهن خطور می کند که: آیا امکان دارد، پیامبر اکرم ﷺ این نامه ها را به دست خود نوشته باشد؟ آیا نوشته ای حتی یک جمله از پیامبر گرامی اسلامی ﷺ به یادگار باقی مانده است؟
در پاسخ به این پرسش ها سه نظر عمده در میان مسلمانان وجود دارد:

۱. پیامبر اسلام ﷺ قدرت خواندن و نوشتن نداشت.^{۱۷۰}
۲. پیامبر اسلام ﷺ پیش از بعثت، چیزی نخوانده و ننوشته بود؛ اما پس از برانگیخته شدن به پیامبری و نزول قرآن، خواندن و نوشتن می دانست، ولی به دست خود، چیزی ننوشت.^{۱۷۱} او همه آنچه را که باید نوشته می شد، مانند بسیاری از بزرگان تاریخ، به دبیران و

۱۶۰. جمهره الرسائل العرب، ج ۱، ص ۶۷.

۱۶۱. سیرت رسول الله مشهور به سیره النبی، ص ۱۰۵۹.

۱۶۲. جمهره النسب، ص ۱۵۴.

۱۶۳. طبقات الکبری، ج ۲، ص ۳۲.

۱۶۴. تاریخ المدینه المنوره اخبار المدینه النبویه، ج ۲، ص ۵۷۲.

۱۶۵. تاریخ الامم والملوک، ج ۲، ص ۴۰۰.

۱۶۶. المحاسن والمساوی، ج ۲، ص ۵۷۲.

۱۶۷. المنتظم، ج ۴، ص ۲۲.

۱۶۸. البدایه و النهایه، ج ۵، ص ۵۱.

۱۶۹. مجمع الزوائد و منبع الفوائد، ج ۵، ص ۳۱۵.

۱۷۰. عقد القرید، ج ۴، ص ۲۴۵؛ النبی الامی، ص ۶، ۷، ۹، ۱۸ و ۴۳.

۱۷۱. الفائق فی غریب الحدیث، ج ۶، ص ۲۰۵.

کاتبان خود، املاء می‌کرد و آنان می‌نوشتند.^{۱۷۲}

۳. پیامبر ﷺ نوشتن را خوب نمی‌دانست، ولی پیمان نامه صلح حدیبیه به دست خودشان نوشته شده است.^{۱۷۳} آن طور که در کتب تفاسیر و کتاب‌های تاریخ اسلام به چشم می‌خورد، در تفسیر آیه «وَمَا كُنْتُمْ تَتْلُوا مِنْ قَبْلِهِ وَلَا تَخْطُوهُ بِيَمِينِكُمْ»^{۱۷۴} توپیش از این نتوانستی کتابی خواند و نیز خطی نگاشت تا مبادا مبطلان، در نبوت تو شک و تردیدی کنند». نظر شماره دو تأیید شده است؛ بدین معنا که پیامبر گرامی ﷺ پس از بعثت، نوشته‌ها را می‌خواند، ولی به دست خود، چیزی نمی‌نوشت است.^{۱۷۵}

تعدادی از مفسران قرآن، بویژه مفسران شیعه، در پاسخ به پرسش بالا دچار شک و تردید هستند و پاسخ روشنی بر این سؤال‌ها نیافته‌اند؛ مانند سیدمرتضی، طوسی و طباطبایی.^{۱۷۶}

سخن گفتن از آشنایی پیامبر اسلام ﷺ با خواندن و نوشتن، مربوط به زمان پس از نزول قرآن کریم است. دانشمندان اسلامی برآنند که آن حضرت پیش از نزول قرآن با خواندن و نوشتن، بیگانه بوده است. آیه «وَكَذَلِكَ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ رُوحًا مِنْ أَمْرِنَا مَا كُنْتَ تَدْرِي مَا الْكِتَابُ وَلَا إِيْمَانٌ»^{۱۷۷}؛ همچنین ما قرآن را که دل‌ها بدان زنده می‌گردد، به وحی بر تو فرستادیم (پیش از آن) با هیچ یک از کتاب (قرآن) و ایمان (شرایع) آشنا نبودی». به روشنی مؤید این معناست.

در هر حال، اگر نوشته‌ای به خط پیامبر گرامی اسلام ﷺ به یادگار باقی مانده باشد یا نباشد، در این مسأله هیچ تردیدی نیست که نوشته‌هایی که به نام پیامبر اسلام ﷺ از رهگذر تاریخ به دست ما رسیده به املائی خود پیامبر طرز صورت گرفته است.^{۱۷۸}

نکته آخر این که: به راستی باید باور داشت که نوشته‌های پیامبر گرامی اسلام ﷺ به املائی خود آن حضرت صورت گرفته است. اما دلیل محکم بر این مطلب، هماهنگی

۱۷۲. مکاتیب الرسول، ج ۱، ص ۱۷.

۱۷۳. طبقات، ج ۱، ص ۲۴.

۱۷۴. سوره عنکبوت، آیه ۴۸.

۱۷۵. السیره النبویه، ج ۲، ص ۱۸۶ و ۱۸۵؛ ثلاث رسائل، ص ۴۱.

۱۷۶. مجمع البیان، ج ۴، ص ۲۸۷.

۱۷۷. سوره شوری، آیه ۵۲.

۱۷۸. نامه‌ها و پیمان‌های سیاسی حضرت محمد ﷺ، ص ۵۷.

سبک خطبه‌های^{۱۷۹} پیامبر اسلام ﷺ با سبک نامه‌های ایشان است.

فلسفه ارسال پیام کتبی

یکی از مسائل مهمی که در بحث نامه‌های دعوت پیامبر گرامی اسلام ﷺ به سران قبائل، پادشاهان و رهبران ادیان و مذاهب، ذهن ما را به خود مشغول می‌دارد. مسأله پیام و یا ارسال پیک کتبی آن حضرت به آنان است. سؤالی که در اینجا پیش می‌آید، این است که چرا رسول خدا ﷺ برای دعوت به اسلام و ابلاغ رسالت خود، بویژه در روابط خارجی، از ارسال پیام کتبی استفاده نموده است؟

با توجه به مطالعه در بسیاری از کتب تاریخ اسلام و سیره نبوی، مطلبی در این باره یافت نشد؛ اما بدون پرداختن به فلسفه ارسال پیام کتبی پیامبر ﷺ نمی‌توان به بحث تحلیل نامه‌های دعوت پرداخت. لذا ابتدا باید تفاوت بین پیام‌های کتبی و شفاهی را بیان کرد و آنگاه به اصل مسأله پرداخت. به نظر می‌رسد شاید بتوان دلائلی را به شرح ذیل ارائه داد:

۱. حفاظت و صیانت از پیام شفاهی بسیار مشکل است؛ زیرا احتمال این که کسی که پیام را می‌رساند، آن را فراموش کند و یا در آن دخل و تصرف نماید، بسیار زیاد است؛ هر چند که دارای حافظه قوی و نیرومندی باشد.

۲. پیام شفاهی معمولاً برای کسانی ارسال می‌گردد که از قبل دو طرف با هم آشنایی داشتند، اما پیام کتبی این گونه نیست. در نتیجه، رسمی‌تر است و سندیت بیشتری دارد؛ مثلاً در نامه‌های دعوت پیامبر به پادشاهان چون آنان از حضرت رسول شناختی نداشته‌اند؛ مطمئناً پیام شفاهی آن حضرت را هرگز نمی‌پذیرفتند.

نکته اول، ارسال پیام کتبی از طرف پیامبر بیان کننده عقل، تدبیر و تدبیر آن حضرت است و نشان دهنده این است که: پیامبر گرامی اسلام در روزگار جاهلیت از شیوه پیام موثر برای رساندن پیام دعوت و رسیدن به اهداف الهی استفاده نمودند. ایشان رسالت خود را از طریق پیام کتبی به جهانیان اعلام داشتند.

نکته دوم، این که پیام کتبی به صورتی که مختوم به خاتم صاحب نامه باشد، سندیت بیشتری دارد. لذا پیامبر اسلام سخنان هدایت‌گرانه و آگاهی بخش خود را به صورت نامه و با مهر^{۱۸۰} معتبر (محمد رسول الله) برای سران قبایل و پادشاهان بزرگ می‌فرستادند

۱۷۹. برای نمونه رک: خطبه حجه الوداع (ش ۲۸۷)؛ وثائق، ص ۲۶۹.

۱۸۰. التنبیه والاشراف، ص ۲۵۹.

و به این صورت موجودیت دین اسلام^{۱۸۱} و پیامبری خود را اعلام می‌کردند. از طرف دیگر، مهر نهادن نامه‌های دعوت، شاید نشانه بزرگداشت گیرندگان آن نامه‌ها بوده است.^{۱۸۲}

تحلیل نامه‌ها

الف) تحلیل فراوانی نامه‌های دعوت در سال‌های پس از بعثت

دعوت‌های کتبی پیامبر با توجه به زمان قبل و بعد از هجرت آن حضرت به مدینه را طی دو مرحله می‌توان بررسی کرد:

دعوت نامه پیش از هجرت

بعد از آشکار شدن دعوت علنی پیامبر اسلام آن حضرت نتوانست در مکه حکومتی تشکیل دهد، چرا که اسلام مراحل آغازین کار خود را می‌گذراند و مسلمانان نیز اندک بودند و از ناحیه قریش تحت فشار قرار می‌گرفتند.^{۱۸۳} ظاهراً در تمام مدتی که آن حضرت در مکه به سر می‌برد، برنامه سیاسی خاصی نداشت، جز دو بیعت عقبه^{۱۸۴} (با دو قبیله اوس و خزرج از مدینه) که آن هم به صورت پیمان نامه‌ای پنهانی و غیرمکتوب صورت گرفت.

در نتیجه با بررسی کتب تاریخ اسلام و سیره نبوی تنها پیام کتبی دعوت که از جانب رسول خدا در سال‌های قبل از هجرت به مدینه، به چشم می‌خورد، نامه آن حضرت به نجاشی پادشاه حبشه (در سال پنجم بعثت) است که ضمن دعوت نجاشی به اسلام از وی خواسته شد که مسلمانان مهاجر به حبشه را پناه دهد. این نامه توسط مسلمانانی که مجبور به هجرت از مکه به حبشه بودند، به نجاشی

۱۸۱. الکشاف، ج ۲، ص ۶۳۶.

۱۸۲. همان.

۱۸۳. وثائق، ص ۳۶.

۱۸۴. در سال دوازدهم بعثت، در یکی از مراسم حج، پیامبر ﷺ به ملاقات دوازده نفر از قبیله خزرج که از یترب به مکه آمده بودند، رفت و اسلام را بر آنان عرضه داشت، آنان نیز اسلام را پذیرفتند و تعهد کردند که تصدیق کننده رسول خدا باشند و اسلام را در قبیله خود تبلیغ نمایند. در سال سیزدهم بعثت نیز گروهی از قبیله خزرج و اوس (از مدینه) در موسم حج به نزد پیامبر اسلام آمدند و با ایشان بیعت کردند و اسلام را پذیرفتند. در هر دو بیعت، پیمانی بین مردم مدینه با پیامبر بسته شد و چون در محلی به نام عقبه بود به نام پیمان عقبه معروف شد. برای اطلاع بیشتر رک: السیره النبویه، ج ۱، ص ۴۲۸-۴۳۰؛ تاریخ الامم والملوک، ج ۲، ص ۸۶.

داده شد.

دعوت نامه‌های پس از هجرت: با تتبع و جستجو در کتب تاریخ اسلام به نظر می‌رسد که:

در پی افزایش فشارهای مشرکان مکه بر پیامبر گرامی اسلام و مسلمانان و اخلاقی که قریش در جریان گرایش به اسلام ایجاد کرده بودند، پیامبر اسلام برای تأسیس حکومت اسلامی و نشر دعوت اسلام، به مدینه هجرت نمود.

پس از هجرت به مدینه و قدرت گرفتن اولیه جامعه اسلامی، پیامبر در راستای رسالت جهانی خویش، و بر طبق آموزه‌های قرآنی^{۱۸۵}، دعوت خود را به بیرون از محیط مکه کشاند.

این دعوت‌ها با ارسال نامه‌هایی به رؤسای قبایل عرب و نیز پادشاهان و ملوک خارج از جزیره‌العرب همراه بود. از تحقیقات انجام شده، این‌گونه به دست می‌آید که نامه‌های دعوت پس از هجرت، حدوداً نوزده نامه بوده است.

از بحث مذکور می‌توان چنین نتیجه گرفت که سیر گسترش دعوت پیامبر از ابتدای بعثت آن حضرت تا پایان عمر ایشان، متفاوت بوده و به این طریق است که:

۱. سه سال اول بعثت، دعوت پنهانی (که این شیوه‌ای بسیار هشیارانه برای حفظ اسلام و تأمین امنیت مسلمانان بود)،

۲. از زمان اعلان دعوت علنی تا قبل از هجرت: دعوت زبانی و شفاهی در محدوده مکه تقریباً بدون سیاست خارجی،

۳. بعد از هجرت به مدینه: تأسیس حکومت اسلامی و نشر دعوت اسلام همراه با ارسال نامه‌های دعوت به روسای قبایل و سران ممالک خارج از جزیره‌العرب.

جدول شماره ۲: بررسی وضعیت نامه‌ها از جهت زمان ارسال آن

زمان ارسال نامه‌های دعوت	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	اختلاف	مشخص نیست
تعداد	۱ مورد	۶ مورد	۳ مورد	-	۴ مورد	۱ مورد	۴ مورد	۱ مورد

۱۸۵. قال الله تعالى: «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَاهِدًا وَمُبَشِّرًا وَنَذِيرًا وَدَاعِيًا إِلَى اللَّهِ بِأَذْنِهِ وَسِرَاجًا مُنِيرًا؛ ای پیامبر ما تو را گواه، و بشارت دهنده، و انذار کننده فرستادیم و تو را دعوت کننده به سوی خداوند، به فرمان او و چراغ روشنی بخشی قرار دادیم (سوره بقره، آیه ۱۱۹)؛ و «وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا كَافَّةً لِّلنَّاسِ بَشِيرًا وَنَذِيرًا؛ و تو را جز برای این که عموم بشر را بشارت دهی و بترسانی نفرستادیم (سوره سبأ، آیه ۲۸).

ب) تحلیل فراوانی نامه‌های دعوت بر اساس مخاطبان (قبائل عرب، کشورهای خارج از جزیره العرب)

نامه‌هایی که به دفعات از جانب پیامبر گرامی اسلام برای مخاطبان ارسال شده است به قرار زیر است:

۱. از جانب پیامبر دو نامه به این مضمون به نجاشی اول پادشاه حبشه ارسال شد: مضمون نامه اول^{۱۸۶}: دعوت به اسلام و پناه دادن مهاجران مسلمان به حبشه، مضمون نامه دوم^{۱۸۷}: اعزام مهاجران مسلمان به مدینه و تزویج ام حبیبه.
۲. ارسال دو نامه به خسرو پرویز کسری پادشاه ایران: نامه اول^{۱۸۸}: با موضوع دعوت به اسلام، نامه دوم^{۱۸۹}: با موضوع معرفی خداوند یگانه و تهدید به جنگ.
۳. ارسال سه نامه به سوی هرقل امپراتور روم: مضمون نامه اول^{۱۹۰}: دعوت به اسلام، مضمون نامه دوم^{۱۹۱}: پذیرفتن اسلام یا پرداخت جزیه و یا آماده شدن برای جنگ، مضمون نامه سوم^{۱۹۲}: قبول اسلام یا پرداخت جزیه و یا آماده شدن برای جنگ.
۴. ارسال دو نامه از جانب پیامبر به منذر بن ساوی (کارگزار خسرو پرویز): مضمون نامه اول^{۱۹۳}: دعوت به اسلام، مضمون نامه دوم^{۱۹۴}: تفقد و دل‌جویی از منذر بن ساوی بعد از مسلمان شدن وی.

۱۸۶. نامه شماره ۱ در بخش قبل آمده است.

۱۸۷. متن نامه دوم در تاریخ ثبت نشده است.

۱۸۸. نامه حضرت رسول ﷺ به کسری.

۱۸۹. این نامه به نقل از بلعمی از تاریخ طبری در اولین متن اختلافی (در نامه پیامبر ﷺ به کسری) ذکر شده است.

۱۹۰. نامه پیامبر ﷺ به قیصر روم.

۱۹۱. متن این نامه در کتب تاریخ اسلام به ثبت نرسیده، اما مضمون آن مورد اتفاق اکثر مورخان اسلامی است. برای اطلاع بیشتر رک: وثائق، ص ۸۷-۹۰؛ مکاتیب الرسول، ج ۲، ص ۴۱۵-۴۱۶.

۱۹۲. نامه پیامبر ﷺ به قیصر روم از تبوک.

۱۹۳. نامه حضرت رسول به منذر بن ساوی.

۱۹۴. این نامه‌ها از نوع امان نامه هستند. امان نامه به نامه‌هایی گفته می‌شود که پیامبر در آن امتیازاتی را برای افراد در نظر می‌گرفت در صورت پذیرش اسلام از سوی آنان. رک: الاعلام، ج ۲، ص ۲-۳۴۸؛ نظیر امان نامه‌ای که پیامبر ﷺ به منذر بن ساوی پس از مسلمان شدن وی در پاسخ به نامه وی فرستاده است، که در آن امتیازاتی نظیر پناه دادن به منذر بن ساوی، باقی ماندن اموال و بخشیدن گناهان وی در صورت نیکوکاری به چشم می‌خورد. برای آگاهی بیشتر از متن امان نامه پیامبر ﷺ به منذر بن ساوی رک: وثائق، ص ۱۱۳؛ محمد و زمانداران، ص ۱۱۳.

مخاطبان این نامه‌ها، برخی از اهل کتاب (مسیحی، یهودی و زرتشتی) و برخی نیز کافر بودند.

با نتیجه‌ای که از این گفتار به دست می‌آید، می‌توان گفت: که اقتدار جامعه اسلامی و قاطعیت نبی مکرم اسلام، در هدایت انسان‌ها، مشاهده می‌شود.

جدول شماره ۳: بررسی پراکندگی نامه‌ها از حیث مخاطبان

مخاطبان نامه‌های دعوت	پادشاهان بزرگ	امرا و قبایل عرب	اسقف‌های مسیحی	اندیشمندان عرب	مجوس اهل هجر	هشدار به توطئه‌گران علیه اسلام
تعداد	۶ مورد	۷ مورد	۲ مورد	۲ مورد	۱ مورد	۲ مورد

ج) تحلیل مفاهیم اعتقادی، اخلاقی و احکام (اجتماعی، اقتصادی و عبادی) که از دید رسول خدا دارای اولویت و برتری هستند

یکی از محورهای مهم در بررسی محتوایی نامه‌های دعوت پیامبر گرامی اسلام، بررسی متن نامه‌های آن حضرت از جهت مفاهیم اولویت دار است؛ زیرا این مفاهیم بیانگر فرهنگ قرآنی و خط فکری رسول خداست که بر اساس مسئولیت خطیری که آن حضرت داشته‌اند؛ یعنی هدایت انسان در همه عصرها و نسل‌ها، از ایشان صادر شده است. لذا موضوعاتی که در نامه‌های دعوت آن حضرت به صورت موکد و مکرر بیان شده است، از این روست که این موضوعات دارای اهمیت و ارزش بیشتری هستند.

در این قسمت از پژوهش برآنیم تا به بررسی و تحلیل مؤلفه‌های مهم نامه‌های دعوت - که در بردارنده مفاهیم اعتقادی، اخلاقی و فقهی هستند - بپردازیم. البته ناگفته نماند که منظور از مؤلفه‌های مهم، بیان مطالبی است که رسول خدا در تمام نامه‌ها به طور مکرر آنها را گوشزد کرده‌اند که به نوعی جز اولویت‌ها، به حساب آمده‌اند.

در این قسمت به بررسی مهم‌ترین مؤلفه‌های نامه‌های دعوت - که بعضی دارای زیر مجموعه نیز هستند - پرداخته می‌شود:

مهم‌ترین مؤلفه‌های نامه‌های دعوت

مؤلفه‌های اعتقادی

عبارت‌اند از: خدا، پیامبر اسلام، دعوت به اسلام، عیسی علیه السلام، مریم علیها السلام، موسی علیه السلام،

سلامتی در قبال پذیرش اسلام، بشارت و انداز، معاد و قرآن.

جدول شماره ۴: میزان تکرار مؤلفه های اعتقادی

مؤلفه‌های اعتقادی	خدا و دعوت به توحید	پیامبر ﷺ	دعوت به اسلام	عیسی ﷺ	مریم ﷺ	موسی ﷺ	بشارت	انذار	معاد
تعداد	۵۳ مورد	۲۲ مورد	۶ مورد	۶ مورد	۳ مورد	۲ مورد	۲۱ مورد	۱۱ مورد	۳ مورد

مؤلفه‌های اخلاقی

از مهم‌ترین مؤلفه‌های اخلاقی نامه‌های دعوت می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: دوری از تجبر (خود بزرگ بینی همراه با ستمگری)، مساوات و برابری، اصلاح نفس

جدول شماره ۵: میزان تکرار مؤلفه‌های اخلاقی

مؤلفه‌های اخلاقی	دوری از تجبر	رفق و مدارا	اصلاح نفس	مساوات و برابری
تعداد	۱ مورد	۱ مورد	۱ مورد	۱ مورد

مؤلفه‌های احکام

مؤلفه‌های احکام بر سه نوع است: احکام اجتماعی، اقتصادی، و عبادی؛ نظیر جنگ با اهل کتاب، تحریم ازدواج زن مسلمان با مرد مجوس، جزیه، زکات و نماز.

جدول شماره ۶: میزان تکرار مؤلفه‌های احکام (اجتماعی - اقتصادی - عبادی)

مؤلفه‌های احکام (اجتماعی-اقتصادی-عبادی)	رسالت جهانی	جنگ با اهل کتاب	تحریم روابط مسلمانان با مجوس	جزیه	زکات	نماز
تعداد	۲ مورد	۷ مورد	۲ مورد	۷ مورد	۱ مورد	۲ مورد

به طور اجمال، مباحث مربوط به تحلیل مؤلفه‌ها را، به شرح ذیل است: اول، در تمام نامه‌های دعوت پیامبر شهادت به وحدانیت خداوند و تأکید بر رسالت رسول اکرم و فراخواندن مخاطبان و دعوت به اسلام جز ارکان نامه‌ها، به حساب می‌آید؛ چرا که بیشترین موضوعی که در نامه‌ها تکرار گردیده و جز مشترکات تمام نامه‌ها گردیده‌اند، همین موارد یاد شده است.

دوم، بشارت و انداز، دو مؤلفه بسیار مهمی است که در اکثر نامه‌های پیامبر به چشم

می خورد؛ زیرا آن حضرت پیوسته در ترویج و تبلیغ دین از این دو حربه کارآمد بهره می برد؛ از این رو، در نامه های خود به پادشاهان ابتدا آنان را بشارت داده (اسلم تسلّم) و سپس از در انذار وارد می شود و گناه رعایا را در صورت عدم پذیرش اسلام، بر عهده آنان می داند. سوم، سیاست جامعه اداری در برخورد با دیگر گروه هایی که در ارتباط با مسلمانان بودند؛ اعم از گروه هایی که در ذمه اسلام بودند و یا گروه هایی که در برابر اسلام، ایستاده و دشمنی می کردند و یا گروه هایی که به اسلام پیوسته بودند. این مؤلفه سوم، بعد از دو مؤلفه پیشین بیشترین حجم مطالب را به خود اختصاص داده است. چهارم، مسائل مالی و اقتصادی از جمله زکات و جزیه در نامه های دعوت پیامبر گرامی اسلام از مؤلفه هایی است که بسیار حائز اهمیت است و بخش قابل توجهی از مطالب نامه ها را به خود اختصاص داده است.

جدول شماره ۷: مقایسه مؤلفه های اعتقادی - اخلاقی - عملی

مؤلفه های اعتقادی - اخلاقی - عملی	اعتقادی	اخلاقی	عملی
تعداد	۹۳ مورد	۴ مورد	۲۲ مورد

د) بررسی ادبیات نامه ها

ادبیات نامه های دعوت پیامبر حول سه محور، به شرح ذیل مورد بررسی قرار می گردد:

بیان نامه ها

به طور کلی ادبیات نامه های پیامبر اکرم را از لحاظ «بیان» می توان به اقسام زیر تقسیم بندی نمود:

ارشادی، تهدیدی، انتقادی و تبلیغی

اینک توضیح هر یک از موارد یاد شده:

ارشادی

از آنجایی که دین اسلام، آخرین و کامل ترین ادیان آسمانی است و تضمین کننده رشد و کمال همه جانبه بشری است، و از آنجایی که پیامبر ما حضرت محمد به عنوان آخرین پیامبر و مبلّغ این شریعت آسمانی است، پس می توان گفت که: ایشان با الهام از پیام های آسمانی^{۱۹۵} مامور هدایت همه انسان ها بودند، لذا این هدایت و ارشاد در بیشتر نامه های

۱۹۵ شایان ذکر است به علت کثرت مقوله ارشادی و بشارتی در نامه های دعوت حضرت فقط به سه نامه اشاره



دعوت پیامبر گرامی اسلام مشاهده می‌شود.

تهدیدی

با نگاهی گذرا به نامه‌های دعوت پیامبر گرامی اسلام به ادبیات دیگری برمی‌خوریم. آن حضرت در راستای رسالت جهانی خویش مبتنی بر هدایت انسان‌ها، ادبیات خویش را از مرحله ارشادی فراتر برده و یا ادبیاتی کاملاً جدی مخاطبان را تهدید نموده است.

انتقادی

سومین ادبیاتی که در نامه‌های دعوت پیامبر گرامی اسلام مشاهده می‌شود، ادبیاتی است که حکایت از لحن انتقادی آن حضرت دارد. حضرت در چندین نامه، از عقاید باطل و انحرافات که در دین مسیحیت وجود دارد (در واقع شرک اعتقادی و عملی به خداوند تعالی) انتقاد نموده است. اوج لحن انتقادی حضرت در نامه‌ای که آن حضرت به زمامداران حمیر نوشته بود، مشاهده می‌شود.

تبلیغی

با توجه به این که مسئولیت اصلی نبی مکرم اسلام رساندن پیام خداوند به مردم است و این وظیفه‌ای است که خداوند متعال در سوره مائده، آیه ۶۶ به آن حضرت محول فرموده‌اند به طوری که در آیه مذکور می‌خوانیم:

يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ؛

ای پیامبر، پیامی را که بر تو نازل شده به مردم برسان و گرنه رسالت خویش را به انجام نرسانده‌ای.

لذا مسأله تبلیغ دین از مهم‌ترین وظایف پیامبر گرامی اسلام به شمار می‌آید؛ به طوری که عدم انجام آن به مانند آن بود که ایشان وظیفه نبوت خود را به انجام نرسانیده و رسالت خداوند را ادا نکرده باشند. لذا مقوله تبلیغ را در نامه‌های دعوت رسول خدا به وضوح می‌توان دید.

جدول شماره ۸: بررسی وضعیت ادبیات نامه‌ها

بیان نامه‌ها	ارشادی بشارتی	تهدیدی	انتقادی	تبلیغی
تعداد	۱۸ مورد	۸ مورد	۴ مورد	۷ مورد

می‌شود. رک: نامه اول، فراز ۱۱؛ نامه چهارم، فراز ۱ و ۲؛ نامه هفتم، فراز ۳ و ۴.

عوامل تاثیرگذار بر ادبیات نامه‌های دعوت

تنوع موضوعات و ادبیات نامه‌های دعوت رسول خدا را باید با این دید مورد تحلیل و بررسی قرار داد که هدف اصلی پیامبر ارشاد و راهنمایی بشر به سوی خداوند و دگرگونی جامعه آن روزگار بوده است که بنا به ضرورت پیامبر ادبیات متفاوتی را به کار گرفته است.

با توجه به مطالب یاد شده عوامل زیر را می‌توان در تنوع گستردگی موضوعات و ادبیات نامه‌های دعوت پیامبر گرامی اسلام دخیل دانست:

انحراف در عقاید ادیان آسمانی (یهود و نصارا)، سیطره سیاه قدرت‌های بزرگ در جهان آن روز، نزول آیه ۶۴ سوره آل عمران، و دعوت خداوند به وحدت، جنگ تبوک و نزول آیه ۲۹ سوره توبه، انعطاف‌پذیری برخی از حکام و پادشاهان، توطئه یهود اهل خیبر و ادعای مسیلمه کذاب.

پس از ذکر ادبیات نامه‌ها در یک بررسی اجمالی از نامه‌های دعوت، اکنون این سؤال به ذهن می‌رسد که سیر کلی ادبیات نامه‌های دعوت از ابتدا تا انتها چگونه بوده است؟

در پاسخ به این سؤال می‌توان گفت که پیامبر گرامی اسلام بعد از هجرت از مکه به مدینه، زمانی که در شهر مدینه حکومت اسلامی و عقیدتی نیرومندی را به وجود آورده بود، اقدام به ارسال نامه‌های دعوت به سران و پادشاهان کردند (سال ششم هجری) اکنون زمان آن بود که پیامبر نامه‌هایی را به سران کشورهای هم‌جوار ارسال نمایند و آنان را به سوی خداوند دعوت کنند و ندای توحید را به گوش جهانیان برسانند. با توجه به رسالتی که خداوند بر عهده پیامبر نهاد:

إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَاهِدًا وَمُبَشِّرًا وَنَذِيرًا وَدَاعِيًا إِلَى اللَّهِ بِإِذْنِهِ وَسِرَاجًا مُنِيرًا.^{۱۹۶}

از این رو می‌توان گفت: هدف از ارسال این نامه‌ها، همان ارشاد و هدایت مخاطبان بوده است. این نوع ادبیات و ادبیات تبلیغی، تعداد قابل توجهی از نامه‌های دعوت حضرت را به خود اختصاص داده است و پیامبر گرامی در تمام مدت رسالت خود چنین ادبیاتی را در نوشته‌های خود رعایت می‌کردند.

ادبیات انتقادی نیز در نامه‌های حضرت، پررنگ است و شاید این موارد به دلیل

۱۹۶. سوره احزاب، آیه ۴۵.

اعتقادات مردم در آن روزگار و انحرافات بود که در ادیان الهی، نظیر یهود و نصارا وجود داشت. از سوی دیگر پیامبر گرامی اسلام همواره با مشکلاتی از ناحیه دشمنان اسلام مواجه بودند. لذا از ادبیات تهدید همراه با اقتدار به عنوان یکی از ابزارهای دعوت استفاده می نمودند.

با توجه به تحقیقاتی که انجام شد، می توان گفت که در نامه بیستم - که آخرین نامه دعوت پیامبر بود و در سال دهم هجری، ارسال شد - نوعی ادبیات تهدیدی و بشارتی دیده می شود. این نامه در واقع، اوج اقتدار حکومت اسلامی در زمان رسول خدا را نشان می دهد.

نکاتی چند در باره نامه های دعوت پیامبر

۱. مخاطب اکثریت نامه هایی که با بسم الله شروع شده بود، از اهل کتاب بودند. ظاهراً نامه هایی که بدون نام خداوند آغاز شده بود، برای کسانی فرستاده می شد، که اعتقاد به خداوند نداشتند.

جدول شماره ۹: بررسی ذکر بسم الله الرحمن الرحيم

تعداد	بسم الله الرحمن الرحيم	بسمه اله ابراهيم	بدون بسم الله الرحمن الرحيم
۱۳ مورد	۱ مورد	۶ مورد	

۲. یکی از نکات جالب توجه در باب نامه های دعوت رسول خدا این است که نوع سلام ها با هم متفاوت است و این سلام ها به دو دسته تقسیم می شوند: سلام هایی که تلویحاً نوعی احترام ویژه به مخاطب است؛ مانند سلام آن^{۱۹۷}، سلام علیک^{۱۹۸}، سلام علی من امن^{۱۹۹}، سلام انتم ما امنتم^{۲۰۰}، سلام انتم^{۲۰۱} برای این نوع سلام ها شاید بتوان گفت که پیامبر به مخاطبانی که گذشته نیکی داشتند، نیکوکار و آزاد بودند و نسبت به اسلام انعطاف نشان می دادند و یا با اسلام دشمنی نداشتند، سلام و درودی همراه با احترام و محبت در نامه ها آورده اند؛ نظیر نجاشی اول (پادشاه حبشه) که پیامبر به او فرمودند: سلام آن^{۱۹۷}.

۱۹۷. نامه پیامبر ﷺ به نجاشی اول، فراز ۱

۱۹۸. نامه پیامبر ﷺ به منذر بن ساوی، فراز ۲

۱۹۹. نامه پیامبر ﷺ به اسقف ضغاطر، فراز ۱.

۲۰۰. نامه پیامبر ﷺ به زمامداران حمیر، فراز ۱.

۲۰۱. نامه پیامبر ﷺ به اسقف نجران، فراز ۲.

سلام عَلٰی مَنْ اَتَّبَعَ الْهُدٰی^{۲۰۲} سلامی است که در ابتدای نامه پیامبر به پادشاهان و امرای اهل کتاب آمده است. این سلام پیامبر معمولاً برای کافران فرستاده می‌شد که برگرفته از قرآن کریم، سوره طه، آیه ۴۷ بود.

جدول شماره ۱۰: بررسی وضعیت نوع سلام:

شکل سلام در نامه دعوت	سلام محبت آمیز	سلام به کفار	سلام نامه آخر	بدون سلام
تعداد	۵ مورد	۹ مورد	۲ مورد	۳ مورد

۳. تمام نامه‌های دعوت پیامبر گرامی اسلام، مشحون از آیات قرآن است که در آنها یا حضرت به آیات قرآن استناد نموده‌اند و یا این که کلام خود را از قرآن اقتباس نموده و یا بر آن آیات استشهاد نموده بودند. بنا براین، رسول خدا در این نامه‌ها، کلام خود را با آیات قرآن همراه نموده‌اند.

مطلب آخر، این که پیامبر اسلام در تمام نامه‌ها، هرگز حمد و ثنای الهی را فروگذار نکرده است و آنچه در تمام نامه‌ها تکرار شده، دعوت به یگانگی خداوند است و مضمون همه نامه‌ها مشحون از رأفت و دلسوزی است.

جدول شماره ۱۱: بررسی وضعیت آیات قرآن:

آیات قرآن در نامه‌ها	اقتباسی	استدلالی	استشهادی
تعداد	۲۱ مورد	۸ مورد	۱ مورد

نتیجه

نامه‌های حضرت ختمی مرتبت به دلیل اهمیت و ویژگی‌های خاص آن از دیرباز مورد توجه بوده است. هم‌چنین تعدادی از این نامه‌ها در کتاب‌های سیره، مغازی، فقه، حدیث، تاریخ و تفسیر، کمابیش آمده است؛ اما متأسفانه پژوهش‌های بنیادی در طول تاریخ در مورد دعوت نامه‌های آن حضرت انجام نگرفته است.

در بین نامه‌های منسوب به رسول خدا، نامه‌های دعوت آن حضرت به سران و پادشاهان از اهمیت فوق العاده‌ای برخوردار است؛ زیرا مهم‌ترین مبانی و اصول زیربنایی اسلام در آن نامه‌ها مطرح شده است که می‌تواند سرمشق خوبی برای مسلمانان پس از قرآن کریم باشد. این نامه‌ها؛ هم‌چنین مواردی از احکام فقهی و اجتماعی اسلام را در بردارند و

۲۰۲. برای نمونه رک: نامه پیامبر ﷺ به کسری پادشاه ایران، نجاشی دوم پادشاه حبشه و هرقل قیصر روم (نامه‌های دوم، سوم، چهارم) فرازا.

روزنه‌ای از پرتو درخشان اسلام به شمار می‌روند؛ با این که تفاوت‌هایی در ادبیات نامه‌های دعوت مشاهده می‌شود، اما به طور کلی می‌توان گفت که این نامه‌ها ادبیاتی نزدیک به هم دارند در عین این که هر نامه ادبیات مخصوص خود را دارد، با این حال، می‌توان نتیجه گرفت که اغلب نامه‌های دعوت با ادبیات ارشادی-بشارتی نوشته شده‌اند. بنا بر این، می‌توان چنین استنباط کرد که مسائل عقیدتی و ترویج و اعتلای توحید و زدودن رسوبات شرک و بت پرستی؛ یعنی نفی عبودیت غیرالله برای آن حضرت مهم‌تر از سایر موضوعات بوده است؛ زیرا پیام توحید به آدمیان، عزت، کرامت و حریت می‌بخشد و آنها را از بندگی غیر خدا می‌رهاند و به دنبال آن، مسائل اخلاقی، فرهنگی و عدالت اجتماعی در جامعه برقرار می‌شود.

کتابنامه

- *الاختصاص*، محمد بن محمد نعمان، تصحیح و تعلیق: علی اکبر غفاری، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، بی تا.
- *الارشاد*، محمد بن محمد مفید، قم: اهل البيت، بی تا.
- *الاقبال لصالح الاعمال*، محمد بن موسی ابن طاووس، تحقیق: محمدرضا المامقانی، قم: انتشارات دلیل ما، ۱۳۵۸ ش.
- *الاموال*، ابو عبید قاسم سلام، بیروت: دارالمحدثه، ۱۳۶۷/۱۹۸۸ ش.
- *الاموال*، حمید ابن زنجویه، تحقیق: شاکر زبیب فیاض، ریاض: مرکز الملک فیصل البحوث و الدراسات الاسلامیه، ۱۴۰۶/۱۹۸۶ م.
- *الامتاع والاسماع*، عبدالقادر مقریزی، تحقیق و تعلیق: محمد عبدالحمید النمسیمی، بیروت، انتشارات دارالکتب علمیه، ۱۴۲۰/۱۹۹۹ م.
- *اسد الغابه فی المعرفه الصحابه*، عزالدین ابن اثیر، تحقیق: خلیل مأمون شیخا، بیروت: دارالمعرفه، ۱۴۱۸/۱۹۹۷ م.
- *اعجاز القرآن*، ابوبکر باقلانی، تحقیق: احمد صفر، قاهره: دارالمعارف، ۱۹۷۲ م.
- *اعلام السائلین عن کتب المرسلین*، محمد ابن طولون، بی جا، بی تا، ۱۳۴۸ ش.
- *اعلام الوری*، ابوعلی الطبرسی، تصحیح و تعلیق: علی اکبر غفاری، بیروت: دارالمعارف، ۱۳۹۹/۱۹۷۹ م.
- *اعیان الشیعه*، محسن امین حسینی، تصحیح: سید حسن امین، بیروت: دارالمعارف، ۱۴۰۳ ق.

- *البدایه والنهایه، ابوالفداء ابن کثیر، تحقیق و نشر: مکتب المعارف، بیروت: بی تا.*
- *بحار الانوار، محمد باقر مجلسی، بیروت: مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۳/۱۹۸۳ م.*
- *تاریخ الرسل والملوک، محمد ابن جریر طبری، ترجمه: تاریخ طبری به انشای محمد بن بلعمی، تهران: بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۴۵ ش.*
- *تاریخ یعقوبی، احمد بن یعقوب یعقوبی، بیروت: دارصا، ۱۳۶۴ ش.*
- *مروج الذهب ومعادن الجوهر، علی بن حسین مسعودی، ترجمه: ابوالقاسم پاینده، تهران: ترجمه و نشر کتاب، بی تا.*
- *تهذیب تاریخ، علی بن حسین ابن عساکر، تحقیق: عبدالقادر بدران، بیروت: دارالحیاء التراث العربی، بی تا.*
- *تفسیر نمونه، ناصر مکارم شیرازی، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۵۳ ش.*
- *تفسیر الطبری جامع عن تاویل آی القرآن، محمد ابن جریر طبری، بولاق: الامیری، ۱۳۲۳/۱۷۲۹ م.*
- *تاریخ المدینه المنوره اخبار المدینه النبویه، عمر ابن شبه ی نصیری، قم: دارالفکر، ۱۳۶۸/۱۴۱۰ ش.*
- *ثلاث رسائل، عمر بن بحر جاحظ، بیروت: دارالارقم، بی تا.*
- *جمهره الرسائل العرب فی عصور العربیه الزاهره، احمد زکی صفوت، قاهره: دارالمطبوعات العربیه، ۱۳۵۶/۱۹۳۷ م.*
- *جمهره النسب، هشام بن محمد ابن سائب کلبی، بیروت: الدار العربیه للموسوعات، بی تا.*
- *حیاه الحیوان الکبری، محمد بن موسی الدمیری، تهران: انتشارات ناصر، ۱۳۶۴ ش.*
- *دلایل النبوه، ابوبکر بیهقی، بیروت: دارالکتب العلمیه، بی تا.*
- *دلایل النبوه، ابونعیم اصفهانی، بی جا، عالم الکتب، ۱۴۹۵/۱۹۸۸ م.*
- *رسائل النبی الی الملوک والامراء والقبائل، سید علی خالد، بیروت: مکتب دارالتراث، ۱۴۰۷ ق.*
- *رسالات النبویه علیه التحیه، صاحب عبدالمنعم خان، دهلی: شماره ۱۳۳، ۱۳۳۶ ق.*
- *زاد المعاد، محمد بن ابی بکر ابن قیم ابن جوزی، تحقیق: سید ابراهیم، مصر: دارالحدیث، ۱۹۹۱ م.*
- *السیره النبویه، عبدالملک ابن هشام، تحقیق: مصطفی سقا، ریاض: دارالمعنی، مؤسسه الریان، ۱۹۹۹ م.*
- *السیر والمغازی، محمد ابن اسحاق، بیروت: دارالفکر، ۱۳۸۹/۱۹۷۸ م.*

- السيره النبويه هامش الحلبيه، احمد زيني دحلان، حلب: دارالقلم، ۲۰۰۱/۱۴۲۱ م.
- السيره الحلبيه من الانسان العيون، برهان الدين حلبى، مصر: دارالتراث العربى، ۱۹۲۳/۱۳۲۰ م.
- سبيل الهدى والرشاد فى سيره خير العباد، محمد بن على صالحى شامى، تحقيق: مصطفى عبد الواحد، قاهره: احياء التراث اسلام، ۱۹۹۳/۱۴۱۴ م.
- سيرت رسول الله مشهور به سيره النبى، ترجمه و تصحيح: اصغر مهدوى دامغانى، تهران: دفتر مطالعات تاريخ و معارف اسلامى، ۱۳۶۸ ش.
- شرح الزرقانى على المواهب اللدينه، محمد بن عبدالباقى زرقانى، بيروت: دارالمعرفه، ۱۹۷۳/۱۳۹۳ م.
- صبح الاعشى فى صناعه الانشاء، احمد قلقشندى، مصر: وزاره الثقافه والارشاد القومى، بى تا.
- صحيح، محمد بن اسماعيل بخارى، بيروت: دارالمعرفه، بى تا.
- الطبقات الكبرى، محمد ابن سعد، بيروت: دارصان، ۱۹۶۰/۱۳۸۰ م.
- عقد الفريد، احمد بن محمد ابن عبدربه، بيروت: دارالكتب العلميه، ۱۹۸۷/۱۴۰۴ م.
- غاية المرام فى تعيين الامام من طريق الخاص والعام، هاشم بحراني، تحقيق: السيد على عاشورى، بيروت: مؤسسه التاريخ العربى، ۲۰۰۰/۱۴۲۲ م.
- الفائق، فى غريب الحديث، شرح: عبدالرحمن العبيدى، بغداد: بى تا، ۲۰۰۱/۱۴۲۱ م.
- فرهنگ معين، محمد معين، تهران: انتشارات اميركبير، ۱۳۶۲ ش.
- كمال الدين وتمام النعمه، محمد بن على ابن بابويه قمى، صححه و قدم له وعلق عليه: حسين الاعلمى، بيروت: مؤسسه الاعلمى، ۱۹۹۹/۱۴۱۳ م.
- الكامل فى التاريخ، عزالدين ابن اثير، بيروت: دارصان، ۱۹۷۹/۱۳۹۹ م.
- كنز العمال فى سنن الاقوال والافعال، حسام الدين هندى، بيروت: مؤسسه الرساله، ۱۹۸۵/۱۴۰۵ م.
- الكشاف عن حقايق غوامض و عيون الاقوال فى وجوه التأويل، محمد بن عمر زمخشري، بيروت: دارالكتاب العربى، ۱۹۴۷/۱۳۶۶ م.
- محمد و زمانه، احمد صابرى همدانى، قم: دارالمعلم، ۱۳۴۶ ش.
- مكاتيب الرسول، على احمدى ميانجى، تهران: مؤسسه دارالحديث الثقافه، ۱۴۱۹ ق.
- المسند، احمد ابن حنبل، بيروت: دارالحياء التراث العربى، بى تا.
- المنتظم فى التاريخ، عبدالرحمن ابن جوزى، تحقيقك محمد عبدالقادر عطا و مصطفى عبدالقادر عطا، بيروت: ۱۴۱۲/۱۹۹۲ ق.

- المستدرک علی الصحیحین، محمد حاکم نیشابوری، تحقیق: محمد حمدی الدمرداش، بیروت: المكتبة العصریه، ۱۴۳۰/۲۰۰۰ م.
- المطالب العالیه، احمد بن علی ابن حجر عسقلانی، بیروت: بی نا، ۱۳۷۲ ق.
- مدینه البلاغه فی خطب النبی ﷺ وکتابه و مواعظ و وصایا واحتجاجات، موسی الزنجانی، تهران: منشورات الکعبه، ۱۳۶۳ ش.
- مواهب اللدنیة فی المنح المحمدیه، احمد بن محمد قسطلانی، بیروت: دارالمعرفه، ۱۴۱۲/۱۹۹۱ م.
- مصباح المظنی فی کتاب النبی الامی، محمد بن علی ابن حذیده انصاری، بیروت دارالندوه الجدیده، ۱۴۰۶/۱۹۸۶ م.
- مناقب آل ابی طالب، محمد بن علی ابن شهر آشوب، قم: المطبعه العلمیه، بی تا.
- المفصل فی تاریخ العراق المعاصر، باحثین مجموعه، بغداد: بیت الحکمه، ۱۳۸۱ ق.
- مآثر الانافه فی معالم الخلافه، بیروت: عالم الکتب، بی تا.
- المحاسن و المساوی، ابراهیم بن بیهقی، قاهره: بی نا، ۱۳۲۵/۱۹۰۶ م.
- مجمع الزوائد و منبع الفوائد، علی بن ابی بکر هشیمی، بیروت: دارالکتب عربی، بی تا.
- الوفاء احوال المصطفی، تحقیق: مصطفی عبدالقادر عطا، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۸/۱۹۹۸ م.
- وثائق، محمد حمیدالله، نامه های حضرت ختمی مرتبت و خلفای راشدین، ترجمه و تحشیه: محمود مهدوی دامغانی، تهران: بنیاد، ۱۳۶۵ ش.
- نصب الرایه (احادیث الهدایه)، جمال الدین زیلعی، بی جا، المكتبة الاسلامیه، ۱۳۹۳/۱۹۷۳ م.
- نسیم الریاض فی شرح شفا القاضی عیاض، احمد بن محمد خفاجی، مصر: الازهر، ۱۳۲۵ ق.
- ناسخ التواریخ، محمد تقی سپهر، به اهتمام: جمشید کیانفر، تهران: انتشارات اساطیر، ۱۳۷۷ ش.
- نظام الحکومه النبویه التراتیب الاداریه، عبدالحی کتانی، بی جا، چاپ مصر، بی تا.
- النبی الامی، مرتضی مطهری، ترجمه: محمد علی تسخیری، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۵۸/۱۲۹۹ ش.